

Legal Security in International Investment Dispute Settlement System

(Type of Paper: Research Article)

Mohammadjafar Ghanbari Jahromi^{1*}, Seyed Mohammadali Abdollahi²

Abstract

Today, Arbitration is, without any doubt, turned into the most common method of dispute settlement in international investment disputes and most BITs, MITs or contracts between investors and host States contain an arbitration clause. Nevertheless, arbitral tribunals in international investment disputes, even in institutional arbitrations (such as ICSID, etc.), are ad hoc-based and establish for each specific case and will be dissolved after settling the respective dispute. In recent decades, this has led to the issuance of conflicting or even contradictory awards from different arbitral tribunals, in several instances, in which different judgments have been rendered for almost same legal or factual issues. The increase in issuance of such conflicting awards is considered, by some legal scholars, as a threat to legal security and consistency of the system, which also compromise trust of the players in this field. One proposal for resolving the problem is establishing a Multi-National Court of International Investment, which is the main subject of study in this article.

Keywords

Legal Security, Legal Consistency, International Arbitration, Court of International Investment, International Investment.

-
1. Associate Prof., Department of Public Law and International Law, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: m.jg.jahromi@gmail.com
 2. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.
- Received: September 21, 2019 - Accepted: October 26, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

امنیت حقوقی در نظام حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

محمدجعفر قنبری جهرمی^{۱*}، سید محمدعلی عبداللهی^۲

چکیده

امروزه داوری بی‌تردید به روش غالب حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بدل شده و در غالب معاهدات دوجانبه یا چندجانبه سرمایه‌گذاری یا قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی با دولت میزبان، شرط داوری درج شده است. با وجود این، دیوان‌های داوری در دعوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی، حتی در داوری‌های سازمانی (مانند ایکسید و...)، به صورت موردی و برای هر پرونده به‌طور خاص تشکیل می‌شوند و پس از فصل خصومت نیز منحل می‌شوند. این مسئله سبب شده است که در دهه‌های اخیر در چندین مورد آرای از دیوان‌های داوری مختلف صادر شود که در پرونده‌های مشابه با مسائل حکمی و موضوعی تقریباً یکسان، داوران احکامی متعارض یا بعضاً متناقض صادر کرده‌اند. گسترش صدور آرای متعارض از سوی بسیاری از حقوقدانان به‌عنوان تهدیدی برای نظام حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی قلمداد شده است؛ تهدیدی که امنیت و انسجام حقوقی این نظام را تضعیف می‌کند و اعتماد بازیگران این عرصه را از بین می‌برد. یکی از پیشنهاد‌های ارائه‌شده به‌منظور حل این معضل، ایجاد دادگاه فراملی سرمایه‌گذاری بین‌المللی است که در این نوشتار به برخی از ابعاد این پیشنهاد پرداخته می‌شود.

کلیدواژگان

امنیت حقوقی، انسجام حقوقی، داوری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری بین‌المللی.

۱. دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: mjg.jahromi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

مقدمه

از اوایل قرن بیستم میلادی، سرمایه‌گذاری بین‌المللی به‌عنوان یکی از شیوه‌های تولید ثروت و توسعه اقتصادی میان کشورهای مختلف شکل گرفت (Sornarajah, 2010: 8) و از آن زمان به بعد همواره بخش وسیعی از اقتصاد بین‌الملل را به خود اختصاص داده است. طبیعتاً همانند هر پدیده اجتماعی دیگر، همزمان با شکل‌گیری و گسترش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، اصول و قواعد حقوقی خاص این حوزه نیز توسعه یافت و به‌منظور تنظیم روابط سرمایه‌گذاران و میزبانان سرمایه به‌کار رفت.

با این حال، در کنار تنظیم روابط بازیگران اجتماعی، همواره کارکرد دیگر و مهم اصول و قواعد حقوقی، حل اختلاف میان بازیگران مذکور بوده است که به دلایل مختلف در خصوص تفسیر و اجرای قواعد حقوقی هم‌نظر نیستند و در پی اثبات موضع خود علیه دیگری و در نتیجه صیانت از منافع اقتصادی و تجاری خود هستند. بدین‌سبب، نظام حل اختلافات سرمایه‌گذاری همزمان با رشد و نمو این رشته، توسعه یافت و محاکم و مراجع مختلفی در این زمینه شکل گرفت که نقش مهمی در اجرای صحیح قواعد حقوقی و ارائه تفاسیر معقول و منطقی از آن اصول و قواعد ایفا کردند.

در گذر زمان، شیوه‌های متفاوتی برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی وجود داشته است. طبیعتاً در گذشته اصلی‌ترین مرجع دادخواهی، محاکم ملی دولت سرمایه‌پذیر بوده‌اند (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) و از این‌رو خواهان‌ها (که در بیشتر موارد سرمایه‌گذاران خارجی‌اند)، به‌ناچار باید به دادگاه‌های ذی‌صلاح دولت سرمایه‌پذیر مراجعه می‌کردند تا بتوانند دعوی خود را علیه همان دولت اقامه و پیگیری کنند. با وجود این، طرح دعوی سرمایه‌گذار خارجی علیه دولت میزبان سرمایه‌گذاری در دادگاه‌های متبوع آن دولت نیز در بسیاری از موارد گرفتار مسائل سیاسی، جانبداری‌های قضایی و بسیاری مسائل دیگر می‌شد و دستیابی به عدالت و انصاف را برای سرمایه‌گذار خارجی بسیار دشوار می‌ساخت (زمانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴۱؛ صفایی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). همچنین استفاده از حمایت دیپلماتیک دولت متبوع سرمایه‌گذار خارجی از دیگر طرق دادخواهی بود که البته شیوه چندان کارآمدی به‌شمار نمی‌آمد (عسکری، ۱۳۹۴: ۷۶). دیوان دائمی دادگستری در گذشته و دیوان بین‌المللی دادگستری در حال حاضر مهم‌ترین مراجع برای رسیدگی به شکایات دولت‌ها علیه یکدیگر بوده‌اند و آرای مشهوری نیز تا کنون در اختلافات میان دولت‌ها ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی صادر کرده‌اند.^۱ به همین دلیل،

۱. برای نمونه می‌توان به پرونده‌های مهم بارسلونا ترکشن (بلژیک علیه اسپانیا) و ال‌سی (آمریکا علیه ایتالیا) در دیوان بین‌المللی دادگستری و رأی کارخانه کورزوف (آلمان علیه لهستان) در دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری اشاره کرد.

سرمایه‌گذاران خارجی همواره در تلاش بودند تا سرنوشت قرارداد و دعوای احتمالی خود را از حاکمیت و نفوذ دولت‌ها خارج کنند و به مرجعی مستقل متوسل شوند (عسکری، ۱۳۹۴: ۷۷). به همین دلیل، روش داوری به تدریج مورد توجه قرار گرفت و با تصویب کنوانسیون «حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها و اتباع سایر دول^۱» در سال ۱۹۶۵ (موسوم به کنوانسیون ایکسید) بر رواج آن افزوده شد (عسکری، ۱۳۹۴: ۸۰)، به نحوی که امروزه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین و بدون اغراق، شایع‌ترین روش‌های حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی مورد استفاده سرمایه‌گذاران خارجی و حتی دولت‌های سرمایه‌پذیر قرار می‌گیرد (McLaughlin, 2018: 74). تقریباً در اغلب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، شرط حل اختلاف از طریق ارجاع به داوری گنجانده شده است و در قراردادهای سرمایه‌گذاری نیز اغلب طرفین برای احتراز از رجوع به دادگاه‌های ملی دولت سرمایه‌پذیر، سازوکار داوری را برای حل اختلافات احتمالی برگزیده‌اند (شیروی، ۱۳۹۰: ۴۹۸).

آیین داوری به دلایل مختلف از جمله انتخاب داوران از سوی طرفین و در نتیجه اعتماد بیشتر طرفین دعوا، منعطف بودن آیین رسیدگی، سرعت در طی روند داوری و صدور رأی، تخصصی بودن رسیدگی‌ها، قطعی بودن آرای صادره و قابلیت اجرای آرا در بسیاری از کشورها، هزینه‌های کمتر نسبت به رسیدگی‌های قضایی و... برای طرفین اختلاف در دعوای سرمایه‌گذاری بین‌المللی از جذابیت‌ها و مزایای خاصی برخوردار است (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۳۴) که بیان تفصیلی آن از حوصله نوشتار حاضر خارج است.

فارغ از تمامی مزایا و امتیازاتی که داوری بر سایر روش‌های حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی دارد، یکی از چالش‌هایی که در چند سال اخیر به‌شدت اعتبار این روش را در اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی تهدید می‌کند، صدور آرای متعارض و بعضاً متناقض در پرونده‌هایی است که موضوعاتی تقریباً یکسان یا مشابه دارند. به دیگر سخن، با توجه به ویژگی‌های خاص داوری‌های بین‌المللی، به‌ویژه داوری‌های سرمایه‌گذاری، که در سطور آتی بحث می‌شود، دیوان‌های داوری غالباً به‌طور موردی و مستقل از یکدیگر تشکیل شده و پس از رسیدگی به دعوای متنازع‌فیه و صدور رأی منحل می‌شوند. این وضعیت، سبب شده است که در برخی موارد، دیوان‌های داوری در پرونده‌هایی بسیار مشابه، آرای کاملاً متفاوت یا متعارضی صادر کنند. طبیعتاً چنین وضعیتی برای سرمایه‌گذاران و دولت‌های میزبان چندان خوشایند نیست، چراکه انسجام حقوقی، قابلیت پیش‌بینی، و به‌طور خلاصه امنیت حقوقی را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. این مسئله که موضوع اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، پیشنهاد‌های قابل تأملی را در خصوص لزوم تحولی اساسی در سازوکار داوری‌های

1. Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States (Washington, 1965).

سرمایه‌گذاری بین‌المللی مطرح کرده است. یکی از این پیشنهادها ایجاد نظام تجدیدنظر از آرای داوری بین‌المللی از طریق تأسیس یک دادگاه یا دیوان فراملی سرمایه‌گذاری است.^۱ نظور در ادامه این نوشتار ابتدا به تشریح وضعیت فعلی داورهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی پرداخته می‌شود و به‌منظور ارائه تصویری روشن از موضوع بحث، برخی نمونه‌های آرای متعارض در داورهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی بیان می‌گردد. آنگاه آثار و مخاطرات ادامه این وضعیت بر اعتبار این روش حل اختلاف بررسی می‌شود. در نهایت، به‌طور کلی به ارائه پیشنهاد تأسیس دادگاه یا دیوان بین‌المللی سرمایه‌گذاری^۲ و برخی ملاحظات پیرامون آن پرداخته می‌شود و از این مجری، برخی ملاحظات در خصوص تجویز یا عدم تجویز چنین راهکاری برای ارتقای سطح داورهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی مطرح می‌شود.

چالش داورهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی در جهان امروز

همان‌طور که گفته شد، صدور آرای متعارض و بعضاً متناقض در پرونده‌هایی که وقایع و موضوعاتی مشابه دارند، از چالش‌های مهم داورهای سرمایه‌گذاری در حال حاضر است که تقریباً از دهه نخست قرن بیست‌ویکم آغاز شد (Zarra, 2018: 141) و تا زمان نگارش نوشتار حاضر در پرونده‌های مختلفی مشاهده شده است. به‌منظور ارائه تصویری شفاف‌تر از آنچه «تعارض آرا در وضعیت‌های مشابه» نامیده‌ایم، در ادامه سه نمونه از مهم‌ترین آرای صادره به‌طور بسیار مختصر مرور شده و سپس به علل و عوامل صدور چنین آرای اشاره می‌شود.

۱. نمونه‌های آرای متعارض در وضعیت‌های مشابه

در سال‌های اخیر، چندین نمونه از آرای داوری متعارض در پرونده‌های مشابه یا یکسان مشاهده شده است و احتمال بروز مجدد چنین آرای در آینده نیز وجود دارد. با توجه به اینکه مجال

۱. خلاصه‌ای از پیشنهاد‌های ارائه‌شده در خصوص اصلاح سازکار حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی در گزارش کارگروه سوم آنسیترا بیان شده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: Possible reform of investor-State dispute settlement (ISDS): Consistency and related matters, UNCITRAL (WG III), UN Doc. A/CN.9/WG.III/WP.150, 28 August 2018, pp. 13-14, para. 32
 ۲. در میان پیشنهاد‌های ارائه‌شده به‌منظور اصلاح نظام حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری برخی از دولت‌ها، مانند اعضای اتحادیه اروپا، پیشنهاد ایجاد ی «دادگاه بین‌المللی» را مطرح کرده‌اند که بیشتر به یک مرجع قضایی شباهت دارد و برخی دیگر که همچنان به‌دنبال حفظ ماهیت داوری مرجع رسیدگی‌کننده به اختلافات سرمایه‌گذاری هستند، سخن از «دیوان بین‌المللی» رانده‌اند. تفاوت میان این دو ساختار و آثار و نتایج هر یک محتاج پژوهش جداگانه‌ای است که موضوع نوشتار حاضر نیست. در این نوشتار فارغ از اینکه کدام پیشنهاد در نهایت ممکن است مورد پذیرش واقع شود، به تبیین ماهیت و ابعاد بحران فعلی و برخی ملاحظات پیرامون اصلاح ساختار و ایجاد امکان تجدیدنظر پرداخته خواهد شد.

پرداختن به تمامی نمونه‌ها در این نوشتار وجود ندارد^۱، در ادامه صرفاً به طرح سه مورد از بارزترین و مشهورترین مثال‌های چنین وضعیتی می‌پردازیم.

پرونده لادر

رونالد لادر، تبعه آمریکایی، مدیریت یک شرکت هلندی به نام سی.ام.ای^۲ را در اختیار داشت و شرکت سی.ام.ای نیز ۹۹ درصد از سهام شرکت تلویزیونی چک^۳ را در تملک داشت^۴. متعاقب لغو مجوز شرکت تلویزیونی چک از سوی دولت، هم آقای لادر و هم شرکت سی.ام.ای علیه جمهوری چک اقامه دعوا کردند.

مبنای هریک از خواهان‌های مذکور در طرح دعوا متفاوت بود؛ شرکت سی.ام.ای بر مبنای معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان چک و هلند اقامه دعوا کرد، درحالی‌که آقای لادر بر مبنای معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان چک و آمریکا دعوی خود را طرح کرد^۵.

در نتیجه، دو دیوان داوری به‌منظور رسیدگی به دعوای مذکور، یکی در استکهلم و دیگری در لندن، تشکیل شدند. با این حال، اگرچه وقایع هر دو پرونده تقریباً یکسان بود و هر دو خواهان به دلیل صدور لغو مجوز شرکت تلویزیونی چک مدعی وقوع مصادره نامشروع از سوی دولت چک شده بودند، آرای کاملاً متعارض از سوی دیوان‌های داوری در این دو پرونده صادر شد (Spoorenberg & Vinuales, 2009: 98-99).

دیوان‌های داوری در خصوص تفسیر مفهوم «مصادره» مواضعی کاملاً متفاوت اتخاذ کردند و در نتیجه این اختلاف در تفسیر، دعوای آقای لادر به کلی مردود شد، حال آنکه شرکت سی.ام.ای موفق شد خسارات سنگینی از جمهوری چک مطالبه کند^۶. درحالی‌که دیوان استکهلم، دولت چک را به پرداخت ۳۵۵ میلیون دلار به‌عنوان خسارت محکوم کرد، دیوان لندن آقای لادر را مستحق دریافت هیچ‌گونه خسارتی تشخیص نداد (Tams, 2006: 20). این‌که تصمیم کدام دیوان صحیح بوده است، نیاز به تفصیل فراوان داشته و ارتباطی به بحث

۱. نمونه‌های آرای متعارض در داوری‌های سرمایه‌گذاری متعدد است؛ با این حال، در این نوشتار به ضرورت اختصار، به ذکر تنها سه نمونه اکتفا شده است. برای مشاهده و بررسی سایر نمونه‌ها، آرای زیر قابل مطالعه است:

Maffezini v. Spain, ICSID Case No. ARB/97/7, Decision on Jurisdiction, January 25, 2000, para. 1;
Salini Costruttori S.p.A. and Italstrade S.p.A. v. Hashemite Kingdom of Jordan, ICSID Case No. ARB/02/13, Decision on Jurisdiction, November 29, 2004

2. CME
3. CNTV
4. Ronald S. Lauder v. The Czech Republic, UNCITRAL Arbitration Tribunal, Award, September 3, 2001, para. 77.
5. CME Czech Republic B.V. vs. The Czech Republic, UNCITRAL Arbitration Proceedings, Final Award, March 14, 2003, para. 2.
6. CME Czech Republic B.V. vs. The Czech Republic, UNCITRAL Arbitration Proceedings, Final Award, March 14, 2003, p. 161.

حاضر ندارد. آنچه محل بحث است، صدور دو رأی کاملاً متناقض در پرونده‌ای واحد است که بی‌شک یکی از آنها خلاف واقع است.^۱ به همین دلیل، وکیل دولت چک پس از صدور آرای داوری در مصاحبه‌ای اعلام کرد: پرونده لادر نشان می‌دهد که داوری تا چه حد می‌تواند خطرناک باشد و چه‌بسا بهتر است افراد به محاکم ملی رجوع کنند، جایی که اشتباهات قضاوت را می‌توان در محاکم تجدیدنظر برطرف کرد (Brower & Sharpe, 2003: 216).^۲

پرونده سی.ام.اس

پرونده سی.ام.اس یکی از بیش از ۳۰ دعوایی است که متعاقب بحران اقتصادی شدید آرژانتین در دهه ۱۹۹۰ علیه این کشور اقامه شدند. موضوع اصلی این پرونده به اقدامات «اضطراری»^۳ متخذه از سوی آرژانتین در آن دوران به‌منظور مقابله با بحران اقتصادی ارتباط پیدا می‌کند (Brower et al., 2009: 856-857).

شرکت انتقال گاز سی.ام.اس^۴، شرکت آمریکایی است که در سال‌هایی که آرژانتین درهای خود را به گرمی به روی سرمایه‌گذاران خارجی گشوده بود، نزدیک به ۳۰ درصد از سهام یک شرکت خصوصی انتقال گاز آرژانتینی، به نام تی.جی.ان^۵ را خریداری کرد. شرکت تی.جی.ان دارای مجوزی ۳۵ ساله برای انتقال و توزیع گاز بود و با تکیه بر مجوز مذکور به سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری در بازسازی و توسعه شبکه گازرسانی آرژانتین اقدام کرده بود.

در سال ۱۹۹۸ و با بروز بحران اقتصادی و آثار منفی آن بر شرکت‌های خصوصی گاز در آرژانتین، از جمله تی.جی.ان، این شرکت‌ها توافق کردند تا تعرفه گاز را در شرایط خاصی متفاوت از شاخص قیمت تولیدکنندگان آمریکا محاسبه کنند. این امر موجب شد که در سال ۲۰۰۰ یک قاضی آرژانتینی قرارداد میان تی.جی.ان و سازمان تنظیم مقررات آرژانتین را به حالت تعلیق درآورد. متعاقب تصمیم مذکور، شرکت سی.ام.اس به‌عنوان سهامدار تی.جی.ان مدعی شد که اقدام دولت آرژانتین به معنای نقض مفاد معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان

۱. یکی از اصول عقلی بدیهی که در علم منطق مورد بحث قرار می‌گیرد، امتناع اجتماع نقیضان است: النقیضان لایجتمعان و لایرتفعان که در منطق لاتین با اصطلاح «*principium contradictionis*» و یا عبارت انگلیسی *principle of non-contradiction* بیان می‌شود. در این اختلاف، به هر حال باید مشخص شود که آیا مصادره صورت گرفته یا خیر. پاسخ به این پرسش بی‌شک واحد است و نمی‌تواند متناقض باشد.

۲. البته نمی‌توان این سخن وکیل دولت چک را در برتری رسیدگی محاکم ملی بر رسیدگی‌های داوری پذیرفت، لکن چنین موضعی خبر از اهمیت صدور آرای متعارض دارد و تهدیدی را که این آرا بر اعتماد طرف‌های اختلاف به سازوکار داوری بین‌المللی برجای می‌گذارد، نمایان می‌سازد.

3. Emergency measures

4. CMS Gas Transmission Company

5. Transportadora de Gas del Norte (TGN)

آرژانتین و آمریکا است. در نتیجه بر این اساس در ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۱ دعوایی از سوی شرکت سی.ام.اس تحت داوری ایکسید علیه آرژانتین اقامه شد.^۱

در این پرونده، دیوان داوری پس از احراز صلاحیت خود، ابتدائاً ادعای سی.ام.اس مبنی بر وقوع «مصادره غیرقانونی» را نپذیرفت، لکن اعلام کرد که اقدامات دولت آرژانتین نقض ماده ۲ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری در خصوص رفتار منصفانه^۲ محسوب می‌شود. در مقابل، دیوان داوری استناد آرژانتین به دفاع ضرورت مطابق ماده ۱۱ معاهده دوجانبه را نیز مردود دانست (Brower *et al.*, 2009: 859-860). با وجود این، در پرونده دیگری در همان دوران که با واقعیاتی مشابه اقامه شده بود، دیوان داوری نتیجه‌ای کاملاً متناقض با دیوان داوری در پرونده سی.ام.اس اتخاذ کرد. این پرونده به اختلاف میان شرکت انرژی ال.جی.وی علیه آرژانتین^۳ اختصاص دارد و مشابه پرونده سی.ام.اس به موضوع مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدامات دولت آرژانتین نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی به موجب اعلام وضعیت اضطراری پرداخت. با وجود این، در این پرونده، برخلاف پرونده سی.ام.اس، دیوان داوری وضعیت اضطراری اعلام شده از سوی آرژانتین را به‌عنوان دفاع ضرورت پذیرفت و نتیجه گرفت که بحران اقتصادی در آرژانتین به ایجاد وضعیت اضطراری منجر شده است و در نتیجه اقدامات متخذه از سوی آرژانتین بر مبنای دفاع ضرورت ذیل ماده ۱۱ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان آرژانتین و آمریکا توجیه‌پذیر است.^۴

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این دو پرونده، دو دیوان داوری تفسیری کاملاً متعارض از دفاع ضرورت و اقدامات اضطراری متخذه از سوی دولت آرژانتین ارائه شده است.

پرونده اس.جی.اس

در این پرونده دولت پاکستان بر مبنای قرارداد سرمایه‌گذاری میان پاکستان و شرکت اس.جی.اس علیه آن شرکت اقامه دعوا می‌کند. همزمان شرکت اس.جی.اس نیز بر مبنای معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان پاکستان و سوئیس به داوری ایکسید رجوع کرده و علیه پاکستان اقامه دعوا می‌کند. پاکستان مدعی بود که شرط حل اختلاف قرارداد سرمایه‌گذاری، حاکم بر کلیه اختلافات ناشی از قرارداد سرمایه‌گذاری است و شرکت اس.جی.اس نمی‌تواند با

1. *CMS Gas Transmission Company v. The Argentine Republic*, ICSID, Case No. ARB/01/8, Award, April 20, 2005

2. Fair and Equitable Treatment

3. *LG&E Energy Corp., LG&E Capital Corp., LG&E International Inc. v. The Argentine Republic*, ICSID, Case No. ARB/02/1, Decision on Liability, October 3, 2006

4. *LG&E Energy Corp., LG&E Capital Corp., LG&E International Inc. v. The Argentine Republic*, ICSID, Case No. ARB/02/1, Decision on Liability, October 3, 2006, para. 257

استناد به شرط فراگیر^۱ موجود در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری به شرط حل اختلاف موجود در قرارداد متوسل شود.

دیوان داوری در بررسی صلاحیت خود استدلال پاکستان را می‌پذیرد و اعلام می‌کند که هریک از شروط حل اختلاف در قرارداد سرمایه‌گذاری و معاهده دوجانبه منحصرأً اختلافات ناشی از همان سند را شامل می‌شود و در نتیجه شرکت اس.جی.اس نمی‌تواند با استناد به شرط جامع موجود در معاهده، اختلافات ناشی از قرارداد سرمایه‌گذاری را به داوری ایکسید ارجاع دهد.^۲ با این حال، در دعوای دیگری که شرکت اس.جی.اس علیه فیلیپین اقامه کرد، دیوان داوری اگرچه با واقعیاتی مشابه با پرونده اس.جی.اس علیه پاکستان مواجه بود، به نتیجه‌ای کاملاً متعارض رسید. در آن دعوا دیوان داوری استدلال اس.جی.اس را پذیرفت و اعلام کرد که شرط فراگیر مندرج در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان فیلیپین و سوئیس دربرگیرنده تعهد دولت فیلیپین به رعایت تعهدات قراردادی خود با سرمایه‌گذاران سوئسی است و در نتیجه شرکت سی.جی.اس در صورت نقض حقوق قراردادی‌اش از سوی فیلیپین می‌تواند مستند به شرط حل اختلاف موجود در معاهده، به داوری ایکسید متوسل شود.^۳

۲. علل صدور آرای متعارض

مداقه در نظام داوری‌های بین‌المللی آشکار می‌سازد که صدور آرای متعارض می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. این عوامل ممکن است از ویژگی‌های ذاتی داوری به‌عنوان یک روش حل اختلاف ناشی شود یا در زمره اوصافی باشند که از گذشته برای تأمین برخی اهداف دیگر در ساختار داوری‌های بین‌المللی نهادینه شده است. به هر حال، فارغ از اینکه در مقام ارائه راهکار چه‌بسا ذاتی یا عرضی بودن این ویژگی‌ها مؤثر باشد، در ادامه صرفاً مهم‌ترین عوامل مذکور به‌طور خلاصه تبیین می‌شود:

۳. ماهیت داوری‌های بین‌المللی

علت صدور آرای متعارض می‌تواند به عوامل مختلفی منتسب شود؛ لکن بی‌تردید از مهم‌ترین عوامل آن ماهیت «موردی بودن» داوری‌های بین‌المللی است (Cate & Irene, 2013:422). دیوان‌های داوری، خواه در داوری‌های سازمانی خواه در داوری‌های خاص، به‌طور موردی برای یک دعوای خاص تشکیل می‌شوند و پس از رسیدگی به آن دعوا و صدور رأی نیز معمولاً منحل

1. Umbrella clause

2. *SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Islamic Republic of Pakistan*, ICSID, Case No. ARB/01/13, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, August 6, 2003, paras. 187-89

3. *SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Republic of the Philippines*, ICSID, Case No. ARB/02/6, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, January 29, 2004, para. 169

می‌شوند و دیگر امکان تشکیل مجدد آن (مگر در موارد خاص) وجود ندارد. این وضعیت موجب می‌شود که هر دیوان به‌صورت انفرادی و خارج از یک سیستم یکپارچه و منسجم عمل کند. در چنین وضعیتی، به تعبیر پروفیسور پله، دیوان‌های داوری اهمیت چندانی به سایر آرای صادره از سوی محاکم دیگر نمی‌دهند و خود را حاکمی مستقل به‌شمار می‌آورند (Tattevin & Richard, 2013: 686). در نتیجه، اساساً بسیاری از دیوان‌های داوری دغدغه‌ای در خصوص حفظ انسجام و یکپارچگی نظام حقوقی ندارند و خود را ملتزم به این امر نمی‌دانند.^۱ به عقیده ایشان، وظیفه دیوان داوری، به‌ویژه دیوان‌های داوری موردی، حل اختلاف موجود میان طرفین است، نه توسعه نظام حقوقی.^۲

۴. نبود رویه قضایی در داوری‌های بین‌المللی

یکی دیگر از علل اصلی وقوع تعارض میان آرای داوری این است که در داوری‌های بین‌المللی و اساساً در نظام قضایی حقوق بین‌الملل قاعده تبعیت از رویه قضایی^۳ شناسایی نشده است (Spoorenberg, 2009: 95). این قاعده که ریشه در نظام‌های حقوقی کامن‌لا دارد، دادگاه‌ها و قضات را ملزم می‌سازد از رویه دادگاه‌های پیشین در موضوعات مشابه پیروی کنند، مگر در صورت وجود دلیلی موجه که عدم پیروی از رویه پیشین را توجیه کند (Schreuer & Weiniger, 2008: 1191).

چنین امری در حقوق بین‌الملل به‌طور عام و در داوری‌های بین‌المللی به‌طور خاص وجود ندارد. رویه قضایی به موجب ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، به‌عنوان یک منبع «فرعی» شناسایی شده است که می‌تواند کمک‌رسان و الهام‌بخش قضات دیوان در شناسایی منابع «اصلی» باشد. در واقع، اگرچه مراجع قضایی بی‌تردید می‌توانند از آرای صادره توسط سایر مراجع یا توسط خودشان در پرونده‌های پیشین استفاده کنند، به لحاظ حقوقی ملزم به چنین بررسی‌هایی نیستند (Grenness, 2018: 149; Ten Cate, 2013: 443). در همین زمینه، دیوان‌های داوری در ایکسید نیز در موارد متعدد اعلام داشته‌اند که به لحاظ حقوقی «الزامی» به تبعیت از آرای صادره در دعاوی پیشین ندارند، اگرچه ممکن است در صدور آرای خود از آرای پیشین نیز استفاده کنند (Schreuer & Weiniger, 2008: 1195).

طبیعتاً زمانی که دیوان‌های داوری متعهد به مراعات رویه دیوان‌های پیشین در موارد مشابه نباشند، صدور آرای متعارض و تفسیرهای متفاوت از یک قاعده یکسان، چندان دور از انتظار نخواهد بود.

1. Anders, Engleson, Oscar, 'Inconsistent Awards in Investment Treaty Arbitration: Is an Appeals Court Needed' (2013), 30 *Journal of International Arbitration* 561, p. 568
2. Brown, Colin M., 'A Multilateral Mechanism for the Settlement of Investment Disputes: Some Preliminary Sketches' (2017), 32 *ICSID Review* 3, 673, p. 680
3. *stare decisis*

۵. محرمانگی

یکی دیگر از علل صدور آرای متعارض، محرمانگی رسیدگی‌ها و آرای داوری است (Spoorenberg & Vinuales, 2009: 97). آرای داوری بنابر اصل، «محرمانه» تلقی نمی‌شوند (Kinnear, 2011: 40)؛ لکن، در غالب موارد طرفین اختلاف به دلیل ملاحظات مختلف تجاری، اقتصادی، سیاسی و... ترجیح می‌دهند که رسیدگی‌های داوری و رأی صادره از دیوان داوری محرمانه باشد و به همین دلیل بسیاری از مؤسسات نیز در قواعد داوری خود شرط محرمانگی آرا و رسیدگی‌ها را پیش‌بینی کرده‌اند (Jennings, 2016: 130). در نتیجه، بسیاری از آرا که می‌تواند نقش مهمی در انسجام رویه داوری و قضایی در حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایفا کنند، هرگز منتشر نمی‌شوند. برای مثال، مطابق آخرین آمار منتشرشده در پایگاه اینترنتی ایکسید، از مجموع ۷۰۶ پرونده‌ای که تا پایان سال ۲۰۱۸ میلادی در ایکسید ثبت شده^۱، تنها نزدیک به ۱۴۰ رأی منتشر شده و در دسترس عموم قرار دارد.^۲ محرمانگی و عدم انتشار آرای داوری منجر می‌شود که اساساً دیوان‌های داوری از صدور بسیاری از آرای داوری و محتوای آنها مطلع نشوند و در نتیجه، در صورت تمایل نتوانند از یافته‌های سایر دیوان‌ها در وضعیت‌های مشابه به‌گونه‌ای استفاده کنند که رأیی منسجم و هماهنگ با رویه تثبیت‌شده صادر کنند.

۶. رسیدگی‌های موازی

علت دیگری که به‌ویژه در داوری‌های سرمایه‌گذاری به بروز آرای متعارض می‌انجامد، امکان ایجاد رسیدگی‌های موازی^۳ است که نمونه‌های آن در پرونده‌های لادر و سی.ام.اس مشاهده شد. در واقع نظام دوگانه «معاهده‌ای-قراردادی» در سرمایه‌گذاری خارجی در بسیاری از موارد این امکان را برای طرفین دعوا فراهم می‌سازد که همزمان به چند مرجع قضایی مراجعه کنند و در نتیجه، رسیدگی‌های موازی شکل گیرد (Yannaca, 2008: 1045). وجود رسیدگی‌های موازی نیز مناسب‌ترین بستر برای صدور آرای متعارض در نتیجه تفاسیر متفاوت از قواعد و

1. The ICSID Caseload Statistics (issue 2019-1), available at [https://icsid.worldbank.org/en/Documents/resources/ICSID%20Web%20Stats%202019-1\(English\).pdf](https://icsid.worldbank.org/en/Documents/resources/ICSID%20Web%20Stats%202019-1(English).pdf)

۲. البته در سال‌های اخیر تلاش‌هایی در جهت ارتقای شفافیت در داوری‌های سرمایه‌گذاری صورت پذیرفته است که از آن میان می‌توان به قواعد آنستیرال در خصوص شفافیت (مصوب ۱ آوریل ۲۰۱۴) یا کنوانسیون موریس (مصوب ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴) اشاره کرد. با این حال، تلاش مذکور کافی به مقصود نبوده است و محرمانگی همچنان وجه غالب داوری‌های بین‌المللی است. برای مثال، تا کنون تنها پنج دولت به عضویت کنوانسیون موریس درآمده‌اند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک:

Salacuse, Jeswald W., *The Law of Investment Treaties* (Oxford, 2015), p. 434; Howard, David M., 'Creating Consistency through a World Investment Court' (2017), *41 Fordham International Law Journal* 1, 1

3. *lis pendens*

مقررات حقوقی است. برای مثال، ممکن است یک سرمایه‌گذار خارجی علاوه بر اینکه بر مبنای قرارداد سرمایه‌گذاری میان خود و دولت میزبان، دعوای خود را به داوری ارجاع می‌دهد، همزمان بتواند با استناد به معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دولت متبوع خود و دولت میزبان نیز همان دعوا را نزد دیوان داوری دیگری طرح کند. در این صورت رسیدگی موازی شکل می‌گیرد و چنانچه هیچ‌یک از دیوان‌های داوری مذکور رسیدگی خود را به نفع رسیدگی موازی دیگر متوقف نکنند، ممکن است دو رأی متفاوت یا متعارض در خصوص یک پرونده یکسان صادر شود.

آثار و مخاطرات ادامه وضعیت فعلی

نویسندگان و علمای حقوق آثار مختلف و متعددی را بر صدور آرای متعارض در نظام داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی برشمرده‌اند، لکن شاید همه آنها را بتوان در مفهوم «امنیت حقوقی» خلاصه کرد. در واقع، مهم‌ترین و زیان‌بارترین اثر افزایش صدور آرای متعارض در داوری‌های سرمایه‌گذاری کاهش و در نهایت از میان رفتن امنیت حقوقی برای فعالان این حوزه است. امنیت حقوقی در واقع یکی از اصول اساسی نظام‌های حقوقی داخلی است که همواره حقوقدانان آن را ضامن برقراری عدالت در جامعه و از مهم‌ترین غایت‌های نظام حقوقی (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۶)، و از ملزومات حاکمیت قانون به‌شمار آورده‌اند (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۳). با این حال، حقوقدانان اغلب امنیت حقوقی را از مجرای آثار آن تعریف کرده‌اند. به عقیده ایشان، «امنیت» در نتیجه ثبات حقوقی و پیش‌بینی‌پذیر بودن نتایج رفتارهای اجتماعی پدید می‌آید (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۱۲)؛ بدین معنا که اولاً قواعد حقوقی باید صریح و روشن باشند و ثانیاً تصمیمات قضایی که بر مبنای قواعد مذکور اتخاذ می‌شوند، پیش‌بینی‌پذیر باشند و در نتیجه، حقوق در قبال همگان به‌طور یکسان اعمال شود (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۱۲). بر این اساس، شاید بتوانان جان‌مایه امنیت حقوقی را در وجود ثبات حقوقی و پیش‌بینی‌پذیر بودن تصمیمات قضایی دانست. افراد جامعه زمانی که اولاً به‌طور صریح و شفاف از تکالیف قانونی خود آگاه باشند و بایدها و نبایدهای رفتاری در جامعه را به‌درستی و بدون ابهام درک کنند، و ثانیاً زمانی که بتوانند واکنش جامعه به رفتارهای خود را به‌نحو معقولی پیش‌بینی کنند، و ثالثاً اطمینان داشته باشند که واکنش‌های مذکور برای همگان به‌صورت یکسان وجود خواهد داشت، به لحاظ حقوقی احساس «امنیت» خواهند کرد. به همین دلیل، حقوقدانان بزرگ به‌صراحت اعلام داشته‌اند که خاستگاه و ماهیت قانون هرچه باشد، باید از پیش شناخته‌شده باشد، به این معنا که هر کس از پیش حق‌ها و تکالیف خود را بداند (تروپه، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۱۸) و خود را با سایر افراد جامعه در وضعیتی مساوی احساس کند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۵۸).

بر این اساس، در نظام‌های حقوقی مختلف، «رویه قضایی» نیز مسیری نسبتاً با ثبات و منسجم را طی می‌کند، به‌گونه‌ای که دادگاه‌ها معمولاً با مسئله حقوقی مشابه برخورد مشابه می‌کند و اگرچه دادگاه‌ها ملزم به تبعیت از رویه سایر دادگاه‌ها نیستند، رفتار آنها را می‌توان به‌نحو معقولی پیش‌بینی کرد (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۶: ۴۴). اهمیت این امر تا جایی پیش رفته است که رونالد دورکین در آثار خود ادعا می‌کند که قضات موظف‌اند اقدامات رسمی سابق (از جمله قوانین موضوعه و آرای قضایی) را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که گویی جامعه با «صدایی واحد» سخن می‌گوید (بیکس، ۱۳۸۹: ۴۰۳). البته بی‌تردید نظام بین‌المللی به دلیل فقدان تمرکز اقتدار حقوقی، مشابه آنچه در نظام‌های داخلی وجود دارد، همواره با تهدیدهای جدی‌تری در راستای حفظ انسجام خود مواجه بوده است. وجود نهادهای قضایی متعدد و متکثر در نظام حقوق بین‌الملل از عواملی است که به اعتقاد برخی حقوقدانان تهدیدی برای انسجام حقوقی نظام بین‌المللی محسوب می‌شود (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۲۱) و ثبات رویه قضایی بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. به همین دلیل و در راستای مقابله با تهدیدهای مذکور برخی حقوقدانان دیوان بین‌المللی دادگستری را در مقام ارگان قضایی سازمان ملل متحد موظف دانسته‌اند در کنار انجام وظیفه خود در حل اختلاف دولت‌ها براساس موازین حقوقی، در جهت ایجاد ارتباطی منظم و منسجم میان مقررات مختلف نظام حقوق بین‌الملل تلاش کند (فلسفی، ۱۳۹۶: ۶۰۴)؛ یا برخی دیگر، از دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری انتظار دارند در حل و فصل اختلافات براساس یک معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری، آرای دیگر دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری را که براساس معاهدات مشابه اتخاذ شده‌اند، در نظر بگیرند (لوونفلد، ۱۳۹۰: ۲۳۳). البته بی‌شک نمی‌توان انسجام آرای داوری را مفید این معنا دانست که دیوان‌های داوری باید مانند روایات راه‌حل‌های کاملاً یکسان برای مسائل حقوقی تولید کنند، همان‌طور که در نظام‌های داخلی نیز چنین انتظاری از قضات نمی‌رود. بی‌گمان پرونده‌های مختلف به لحاظ ماهوی از یکدیگر متمایزند و این تمایزها همواره باید مدنظر دادرسان و داوران قرار داشته باشد. لکن مسئله مهم این است که دیوان‌های داوری باید تصمیمات خود را بر مبنای تفسیری نسبتاً واحد از قواعد قابل اعمال حقوقی در هر مورد بنا کنند (Tams, 2006: 18)، تا طرفین اختلاف و جامعه حقوقی فهمی نسبتاً مشترک از قواعد حاکم داشته باشند و بتوانند به‌طور معقولی، آثار رفتارهای خود را پیش‌بینی کنند.

ایده دادگاه فراملی سرمایه‌گذاری خارجی

صدور آرای متعارض در داوری‌های بین‌المللی و احتمال رشد فزاینده صدور آرای از این دست در آینده، نگرانی‌های زیادی را در میان حقوقدانان و فعالان این حوزه ایجاد کرده است و آنان را در یافتن راه‌حلی مناسب به منظور مقابله با این مشکل و پیشگیری از وخامت آن به تکاپو

انداخته است. بی‌تردید ادامه این روند و افزایش شمار آرای متعارض از سوی دیوان‌های داوری امنیت حقوقی سرمایه‌گذاران خارجی را به شدت به مخاطره می‌اندازد و اعتماد به روش داوری را به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین روش‌های حل اختلافات سرمایه‌گذاری را متزلزل می‌سازد؛^۱ اعتمادی که طی سال‌ها و با تلاش‌های بسیاری به‌دست آمده است.

همواره باید توجه داشت که زندگی سرمایه‌گذار خارجی، با برنامه‌ریزی وی رقم می‌خورد و مسلم است که اگر رفتار و عملکرد نظام قضایی به‌گونه‌ای باشد که امکان پیش‌بینی معقولی نسبت به آینده را از او سلب کند، سرمایه‌گذار خارجی به‌دلیل تحمل نکردن مخاطرات این سرمایه‌گذاری، احتمالاً از انجام آن منصرف می‌شود (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۳). همین وضعیت در خصوص دولت میزبان نیز وجود دارد؛ به‌ویژه آنکه دولت‌های میزبان به لحاظ تاریخی نیز تمایل چندانی به داوری بین‌المللی به‌عنوان روش حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی نداشته و همواره صلاحیت محاکم ملی خود را ترجیح داده‌اند. به همین دلیل و با هدف حل این مشکل، پیشنهاد‌های مختلفی ارائه شده است که یکی از مهم‌ترین آنها پیشنهاد ایجاد یک دیوان یا دادگاه فراملی برای اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است؛ دیوانی که بتواند هم ابتدائاً به‌عنوان مرجع داوری به اختلافات میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی رسیدگی کند و هم به‌عنوان مرجع تجدیدنظر به بازبینی آرای صادره از مراجع داوری سرمایه‌گذاری بپردازد و مهم‌تر از همه در مقام مرجع دائمی داوری بتواند به انسجام رویه قضایی در حوزه سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی کمک کند.

به لحاظ تاریخی، اگرچه پیشنهاد ایجاد یک دادگاه یا دیوان بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری شاید از دو دهه پیش به‌طور پراکنده در ادبیات حقوقی و در نوشته‌های برخی حقوقدانان این حوزه به چشم خورده بود (Kaufmann-Kohler et al., 2016: 16)، نخستین بار از سوی ایالات متحده آمریکا مطرح شد، ولی با استقبال چندانی مواجه نشد (Schreuer et al., 2008: 1156). مجدداً این پیشنهاد از سوی «وزارت انرژی و امور اقتصادی آلمان»^۲ مطرح شد (Titi, 2017: 2) و در شورای اتحادیه اروپا بسیار بررسی و موجب شد در بند ۱۵ مصوبه پارلمان اتحادیه اروپا درباره «توصیه به کمیسیون اروپایی در خصوص مذاکرات مشارکت سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌آتلانتیکی (تی.تی.آی.پی)»^۳ به‌طور مشخص ذکر شود (TTIP Recommendations, 2015: 2).

1. Schill, Stephan W., 'W(h)ither Fragmentation? On the Literature and Sociology of International Investment Law' (2011), 22 *The European Journal of International Law* 3, 875, p. 890; Zarra, Giovanni, 'The Issue of Incoherence in Investment Arbitration: Is There Need for a Systemic Reform?' (2018), 17 *Chinese Journal of International Law* 137, p. 141
2. German Federal Ministry for Economic Affairs and Energy
3. Transatlantic Trade and Investment Partnership (TTIP)

برای مطالعه بیشتر در خصوص معاهده مذکور و ارتباط آن با نظام سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا ر.ک:

Gáspár-Szilágyi, Szilárd, 'A Standing Investment Court under TTIP from the Perspective of the Court of Justice of the European Union' (2016), 17 *Journal of World Investment & Trade* 701

پیشنهاد مذکور همزمان از سوی کنفرانس ملل متحد برای توسعه و تجارت (آنکتاد) در گزارش سال ۲۰۱۵ این نهاد در خصوص سرمایه‌گذاری جهانی (World Investment Report, 2015: 132) مورد توجه قرار گرفت و در گزارش‌های سال‌های آتی این نهاد نیز به اختصار یادآوری شد.^۱

در گزارش دبیر کل ایکسید در ۲۲ اکتبر ۲۰۰۴ نیز این پیشنهاد مطرح شده بود. در گزارش مذکور آمده است: «یکی از مهم‌ترین موضوعات مطروح، ضرورت ایجاد سازوکار بازبینی در پرونده‌های ایکسید و سایر داورهای سرمایه‌گذاری بین‌المللی است که به موجب معاهدات سرمایه‌گذاری تشکیل می‌شود» (ICSID Secretariat Report, 2004: 14). با توجه به جمیع ملاحظات و نظرهایی که در این خصوص مطرح شد، دبیرخانه ایکسید در گزارش خود به این نتیجه می‌رسد که در تقابل میان انسجام نظام سرمایه‌گذاری بین‌المللی در کلیت و تبعات پیش‌بینی تجدیدنظر از آرای داور بر قطعیت آرا می‌بایست در پی نقطه تعادل بود؛ چه آنکه، تغایر و تناقض آرای مختلف داور در موضوعات مشابه می‌تواند به شدت از مقبولیت و اعتبار نظام کنونی بکاهد. از دیدگاه این گزارش، دستیابی به نقطه تعادل مذکور با طراحی یک نظام دقیق و کارا به منظور بازبینی از آرای داور امکان‌پذیر خواهد بود (ICSID Secretariat Report, 2004: 14-15).

علاوه بر این، در سطح روابط دوجانبه نیز تلاش‌هایی در این خصوص صورت گرفته و امکان تجدیدنظر از آرای داور در برخی اسناد از جمله الگوی معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا، موافقت‌نامه جامع تجاری و اقتصادی میان کانادا و اتحادیه اروپا^۲ و موافقت‌نامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا و ویتنام^۳ پیش‌بینی شده است (Dimitropoulos, 2018: 539). به هر تقدیر، در نهایت این موضوع در ژوئیه ۲۰۱۷ در پنجاهمین جلسه کمیسیون تجارت بین‌الملل ملل متحد (آنسیترال) مطرح و مقرر شد موضوع «اصلاحات ممکن در خصوص نظام حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری» در دستور کار گروه سوم آنسیترال قرار گیرد.^۴ براساس بررسی‌های صورت گرفته از سوی کارگروه سوم آنسیترال، مهم‌ترین خصایص دیوان مذکور این خواهد بود که اولاً برخلاف نظام موردی داورهای سرمایه‌گذاری در حال حاضر،

۱. برای نمونه ر.ک:

World Investment Report 2016: Investor Nationality: Policy Challenges, UNCTAD, p. 115; World Investment Report 2017: Investment and the Digital Economy, UNCTAD, p. xii; World Investment Report 2018: Investment and New Industrial Policies, UNCTAD, p. 96; World Investment Report 2019: Special Economic Zones, UNCTAD, p. 101

1. Comprehensive Economic and Trade Agreement between Canada and the EU (CETA)
2. EU-Vietnam Free Trade Agreement
3. Report of UNCITRAL, UNGA, Official Records Seventy-first session Supplement No. 17, Forty-ninth session (27 June-15 July 2016), A/71/17, paras. 174-195; Report of UNCITRAL, UNGA, Official Records Seventy-Second session Supplement No. 17, Fiftieth session (3-21 July 2017), A/72/17, para. 242

دیوان پیشنهادی یک نهاد «دائمی» است (European Commission Factsheet, 2017: 3) و مشابه با سایر دیوان‌های تخصصی بین‌المللی، مانند دیوان بین‌المللی حقوق دریا، دیوان کیفری بین‌المللی و... به صورت یک سازمان یا نهاد بین‌المللی مستقر تشکیل می‌شود.

از سوی دیگر، دیوان مذکور از نظام رسیدگی دومرحله‌ای بهره‌مند خواهد بود، به این معنا که آرای صادره توسط مرجع بدوی، در مرجع بالاتر در درون آن دیوان، قابل پژوهش خواهی است (European Commission Factsheet, 2017: 3).

اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیامد ایجاد دادگاه دائمی با امکان پژوهش خواهی از آرای بدوی، شکل‌گیری رسمی یا غیررسمی «رویه قضایی یا داوری» خواهد بود و ایجاد رویه قضایی متعاقباً و در گذر زمان به ایجاد، تضمین و ارتقای انسجام و یکپارچگی درونی نظام و هماهنگی میان آرای داوری مختلف خواهد انجامید (Kaufmann-Kohler et al., 2016: 17). مضاف بر این، امکان پژوهش خواهی موجب تقویت ارتقای کیفیت آرای داوری خواهد شد؛ چراکه اولاً داورانی که از پیش می‌دانند رأی صادره از سوی ایشان در مرجعی عالی‌تر قابل بررسی ماهوی خواهد بود، با دقت و اهمیت بیشتری به بررسی ماهیت پرونده و صدور رأی خواهند پرداخت و ثانیاً چنانچه به هر دلیل، رأی داوری صادره ایرادهای ماهوی فاحش و مؤثر در نتیجه داشته باشد، سازوکار تجدیدنظر مذکور امکان اصلاح چنین مواردی را خواهد داشت.

دستاوردهای یادشده به معنای رفع یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام فعلی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است که به دلیل ابتنا بر داوری‌های موردی و موقت، با تهدید فزاینده عدم انسجام مواجه شده است و چنانچه چاره‌ای برای این معضل اندیشیده نشود، به تدریج مشروعیت خود را از دست می‌دهد (Jansen, 2017: 586). با این وجود، در خصوص ایده ایجاد یک دیوان بین‌المللی سرمایه‌گذاری، مباحث و ملاحظات مختلفی مطرح می‌شود که از آن میان، دو مسئله زیر قابل تأمل و محتاج توجه است.

مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید)

ممکن است این پرسش در ذهن بسیاری ایجاد شود که مرکز بین‌المللی حل اختلافات سرمایه‌گذاری، معروف به ایکسید، در واقع نقش دادگاه فراملی سرمایه‌گذاری را ایفا می‌کند و بنابراین دیگر نیازی به ایجاد دادگاه یا دیوانی فراملی نخواهد بود؟

در پاسخ به این شبهه، باید توجه داشت که ایکسید هم به لحاظ ماهیت و هم به لحاظ ساختار اساساً فاقد ظرفیت‌های لازم به منظور ایفای نقش به‌عنوان دادگاه فراملی سرمایه‌گذاری است. محدودیت‌های متعددی که به موجب سند مؤسس ایکسید، یعنی کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن، در خصوص صلاحیت‌ها و نحوه عملکرد ایکسید وجود دارد، اصولاً با ضرورت‌های

کارکردی یک دیوان فراملی سرمایه‌گذاری سازگار نیست و از این رو نمی‌تواند رافع نیازمندی‌های موجود در این زمینه باشد.

اولاً به موجب ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، صلاحیت آن مرکز صرفاً محدود به اختلافات سرمایه‌گذاری میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی است و از این رو اختلافات سرمایه‌گذاری میان دو دولت را در بر نمی‌گیرد.^۱

ثانیاً صلاحیت ایکسید در بازبینی آرای داوری صادره بسیار محدود و مضیق است و صرفاً به موارد ابطال و بطلان آرای داوری مندرج در ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید منحصر می‌گردد و مسائل ماهوی رأی را شامل نمی‌شود (Binder et al., 2009: 201). به موجب ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید، طرفین می‌توانند در صورت وجود شرایط پنج‌گانه مندرج در آن ماده، ابطال رأی داوری را از دبیر کل ایکسید درخواست کنند. شرایط پنج‌گانه مذکور در ماده ۵۲ عبارت‌اند از: عدم تشکیل صحیح دیوان داوری؛ تجاوز آشکار دیوان داوری از حدود اختیارات خود؛ فساد یکی از اعضای دیوان داوری؛ نقض شدید یکی از اصول اساسی دادرسی؛ و مستدل نبودن رأی داوری.^۲ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شروط مذکور تقریباً بیانگر همان شرایط عمومی ابطال آرای داوری است که در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و بسیاری دیگر از قواعد داوری پیش‌بینی شده است. این در حالی است که اساساً ایده دادگاه فراملی سرمایه‌گذاری در غالب موارد ناشی از موضوعات ماهوی آرای داوری است که در گستره شروط مندرج ذیل ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید نمی‌گنجد.

ثالثاً داوری‌های تحت ایکسید اگرچه در قالب مرکز حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی به داوری ارجاع می‌شوند، فاقد وصف «دائمی بودن» هستند و در نتیجه، نمی‌توانند به ایجاد رویه قضایی منسجم و هماهنگ کمک شایانی کنند. در واقع، هر اختلافی که به داوری ایکسید ارجاع داده می‌شود، به یک دیوان داوری مستقل سپرده می‌شود که به‌طور خاص برای همان دعوا تشکیل شده و پس از رسیدگی و صدور رأی نیز منحل می‌شود. این در حالی است که «استمرار و دوام» دادرسان یا داوران در مراجع رویه‌ساز، از ویژگی‌های ضروری چنین مراجعی است. در نتیجه، ایکسید به‌صورت فعلی نمی‌تواند برآورنده نیازهای نظام حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی باشد و لازم است یا ساختار و کارکرد فعلی ایکسید به‌طور اساسی متحول شود یا نهادی مستقل واجد ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های مورد نیاز این حوزه طراحی و تأسیس شود. به همین دلیل، حقوقدانان ساختار ایکسید را تنها در صورتی که مورد اصلاحات اساسی قرار گیرد و مواردی از جمله امکان تجدیدنظر از آرای داوری به ساختار و قواعد ایکسید اضافه شود، قابل تجویز برای داوری‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی دانسته‌اند (IBA Report,)

1. ICSID Convention, 1965, Article 25(1)

2. ICSID Convention, 1965, Article 52(1)

ایکسید روندی بسیار دشوار و تقریباً نیازمند اتفاق نظر تمامی دولت‌های عضو است^۱، از این رو امکان عملی چنین اصلاحاتی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

افزایش هزینه و اطاله دادرسی

افزایش هزینه و زمان رسیدگی‌ها از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین انتقادهایی است که مخالفان ایجاد سازوکار تجدیدنظر در داوری‌های بین‌المللی از دیرباز مطرح کرده‌اند (McLaughlin, 2018: 81). این مسئله در کارگروه سوم آنسیترال نیز مطرح بوده و مورد توجه اعضا قرار گرفته است. استدلال کلی در این خصوص این است که به‌طور طبیعی امکان تجدیدنظر از آرای داوری موجب مضاعف‌شدن هزینه‌های داوری (مانند حق الوکاله، هزینه‌های سازمانی، حق الزحمه داوران و...) و بالتبع، اطاله رسیدگی داوری می‌شود (IBA Report, 2018: 29) و چنین امری به هیچ‌وجه مطلوب رسیدگی‌های داوری نیست.

در پاسخ به دغدغه مذکور، که البته نگرانی به‌جایی است، شایان یادآوری است که واقعیت‌های دنیای امروز داوری‌های بین‌المللی، به‌ویژه داوری‌های سرمایه‌گذاری، این باور کهن را که سرعت زیاد و هزینه پایین رسیدگی‌های داوری یکی از مزایای اصلی نهاد داوری در مقایسه با رسیدگی‌های قضایی (دادگاه) است، لی‌مخدوش ساخته و به یک داستان تاریخی بدل کرده است (Grenness, 2018: 158). برای نمونه، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد صدور رأی داوری در نظام ایکسید به‌طور میانگین سه سال به طول می‌انجامد و رسیدگی ابطال رأی داوری مذکور نیز حدود دو سال زمان خواهد برد (Titi, 2017: 15). در نتیجه به‌طور متوسط یک رسیدگی داوری در ایکسید به بیش از پنج سال زمان نیاز دارد؛ که البته این زمان بدون احتساب مدتی است که به‌منظور شناسایی و اجرای رأی داوری صرف خواهد شد. این در حالی است که مطابق با پیشنهاد اتحادیه اروپا، رسیدگی به دعاوی در دادگاه پیشنهادی، برای مجموع مراحل بدوی و تجدیدنظر مدت دو سال پیش‌بینی شده است (Zhang, 2016: 42).

به همین ترتیب، هزینه متوسط به‌منظور پرداخت هزینه‌های حقوقی یک اختلاف داوری سرمایه‌گذاری (هزینه‌های مربوط به وکلا، داوران و سازمان داوری) حدود هشت میلیون دلار برای هریک از طرف‌های اختلاف (در مجموع شانزده میلیون دلار برای طرفین دعوا) است که در برخی پرونده‌ها این عدد به ۳۰ میلیون دلار و بیشتر نیز رسیده است (Titi, 2017: 15)، درحالی‌که طراحان این پیشنهاد معتقدند، رسیدگی در دیوان بین‌المللی سرمایه‌گذاری هزینه‌های کمتری برای طرف‌های اختلاف در بر خواهد داشت (Brown, 2017: 687). مضاف بر

۱. در این خصوص ر.ک: مواد ۶۵ و ۶۶ کنوانسیون ایکسید.

این، مطابق آمار کارگروه سوم آنسیترال، ۸۲ درصد از هزینه‌های داورهای سرمایه‌گذاری، هزینه‌های مربوط به طرف‌های اختلاف (مانند هزینه وکلا و مشاوران حقوقی) است نه هزینه‌های دیوان داور^۱. به دیگر سخن، چه‌بسا راه‌حل کاستن از هزینه‌های داورهای سرمایه‌گذاری توجه به برخی دیگر از ابعاد و جنبه‌های این حوزه است، نه صرف آیین‌های رسیدگی داور و هزینه‌های دیوان داور.

آمار و ارقام مذکور به‌خوبی نشان می‌دهد که در دنیای امروز، رسیدگی‌های داور سرمایه‌گذاری، دیگر نه آن‌گونه که تصور می‌شود «سریع» است و نه چندان «کم‌هزینه». در نتیجه، در تحلیل و بررسی انتقادهایی که در خصوص افزایش زمان و هزینه رسیدگی‌های داور در بحث پیش‌بینی امکان تجدیدنظر از آرا و ایجاد یک دادگاه بین‌المللی مطرح می‌شود، باید با نگاهی واقع‌بینانه به موضوع نگریسته شود تا بتوان به نتیجه‌ای صحیح و کاربردی نایل آمد. ضمن اینکه به عقیده برخی نویسندگان، اهداف بنیادین انسجام و یکپارچگی یک نظام حل‌وفصل اختلافات بسیار پراهمیت‌تر از آن است که فزاینده سرعت و هزینه کمتر در رسیدگی‌های داور شود (Dimitropoulos, 2018: 539).

نتیجه‌گیری

امروزه داور از شایع‌ترین و مؤثرترین روش‌های حل اختلاف در حوزه اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. ویژگی‌های خاص داور، به‌ویژه استقلال نهاد داور و بی‌طرف بودن آن در مقایسه با محاکم ملی دولت سرمایه‌گذار و نیز قطعی و الزام‌آور بودن آرای داور از جمله مزیت‌هایی است که موجب شده است این شیوه حل اختلاف در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی مورد اقبال گسترده‌تری باز یگران این حوزه قرار گیرد.

با این حال، ماهیت خاص داور به‌همراه برخی دیگر از ویژگی‌های این سازوکار حل اختلافات، موجب شده است که امکان صدور آرای متعارض و ناسازگار در وضعیت‌های مشابه و در مواجهه با قواعد حقوقی یکسان وجود داشته باشد؛ کما اینکه در سال‌های اخیر نمونه‌های متعددی از صدور چنین آرای متعارضی از سوی دیوان‌های داور مختلف مشاهده شده است. چنین وضعیتی، بی‌تردید، تهدیدی علیه کارایی این روش حل اختلاف به‌شمار می‌آید و موجب می‌شود در نتیجه مخدوش شدن امنیت حقوقی، دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی اعتماد خود را به این سازوکار حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی از دست بدهند.

در نتیجه، این ایده از سوی بسیاری از حقوقدانان مطرح شده است که دیوانی تحت عنوان دیوان بین‌المللی سرمایه‌گذاری یا عناوینی مشابه با آن تأسیس شود تا امکان بازبینی و نظارت

1. 'Possible reform of investor-State dispute settlement (ISDS): cost and duration', UNCITRAL (WG III), UN Doc. A/CN.9/WG.III/WP.153, 31 August 2018, p. 5, para. 19-21

بر آرای داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی را فراهم سازد. چنین دیوانی اولاً آرای را که آشکارا خلاف اصول و قواعد حقوقی صادر شده‌اند، اصلاح می‌کند و ثانیاً به واسطهٔ ارائهٔ تفاسیری متقن از قواعد حقوقی و بهره‌مندی از اوصاف دوام و ثبات به ایجاد نوعی رویهٔ قضایی منسجم در داوری‌های سرمایه‌گذاری کمک می‌کند و بدین‌وسیله از صدور آرای متعارض جلوگیری می‌شود. چنین ایده‌ای البته به‌منظور اجرایی شدن نیازمند بررسی‌های جامع‌تر و مفصل‌تری است که در حال حاضر نیز در کارگروه سوم آنسیترال با عضویت ۶۰ دولت و بسیاری از حقوقدانان برجسته و نهادهای بین‌المللی همچنان تحت بررسی است و نتیجهٔ نهایی آن هنوز مشخص نشده است. از جمله موارد یادشده اولاً باید با توجه به شرایط فعلی جامعهٔ بین‌المللی و رویکرد غالب دولت‌های عضو این جامعه، امکان‌سنجی مناسب در خصوص تمایل دولت‌ها به ایجاد چنین سازوکاری به‌عمل آید؛ ثانیاً پژوهش‌های آتی باید به‌طور علمی و کارشناسی در خصوص ساختار و نحوهٔ عملکرد دیوان مذکور مذاقه کنند، چراکه یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید مورد توجه باشد، آن است که نباید ایجاد چنین دیوانی موجب از بین رفتن بسیاری از مزیت‌های اساسی داوری از جمله سرعت رسیدگی‌ها، هزینه‌های کمتر و... شود، بلکه تلاش شود ضمن حراست از دستاوردهای پیشین، سازوکار جدید، صرفاً در جهت رفع مشکلات موجود عمل کند، نه اینکه بر تعداد آنها بیفزاید. ایجاد مرجع جدید در قالب یک دادگاه یا یک دیوان و آثار و نتایج هر یک از آنها نیز از جمله موضوعاتی است که لازم است با در نظر رفتن ملاحظات یادشده بررسی شود. به همین دلیل دبیر کل ایکسید نیز در گزارش خود در سال ۲۰۰۴ بر اهمیت رسیدن به «نقطهٔ تعادل و توازن» تأکید دارد؛ نقطه‌ای که هم انسجام و امنیت حقوقی در داوری‌های بین‌المللی را تضمین کند و هم سایر مزایا و منافع داوری را حفظ و حراست کند. دستیابی به چنین هدفی بی‌شک نیازمند بررسی‌ها و مباحثات دقیق، علمی و جامع‌نگر از سوی حقوقدانان است تا طرحی نو در اندازند و در راستای ارتقای نظام حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی گامی مؤثر و کارآمد بردارند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. انصاری معین، پرویز (۱۳۸۷)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، تهران: میزان.
۲. بیکنس، برایان (۱۳۸۹)، *فرهنگ نظریهٔ حقوقی*، ترجمهٔ محمد راسخ، تهران: نشر نی.
۳. تروپه، میشل (۱۳۸۶)، *فلسفهٔ حقوق*، ترجمهٔ مرتضی کلانتریان مفید، تهران: آگه.
۴. رودلف، دالزر؛ کریستف، شروتر (۱۳۹۳)، *اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری*، ترجمهٔ سید

- قاسم زمانی، و به آذین حسینی، چ دوم، تهران: شهر دانش.
۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *حقوق تجارت بین الملل*، چ سوم، تهران: سمت.
۶. صفایی، سید حسین (۱۳۹۰)، *حقوق بین الملل و داوری های بین المللی*، چ سوم، تهران: میزان.
۷. عسکری، پوریا (۱۳۹۴)، *حقوق سرمایه گذاری خارجی در رویه داوری بین المللی*، چ سوم، تهران: شهر دانش.
۸. فلسفی، هدایت الله (۱۳۹۰)، *صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت*، تهران: فرهنگ نشر نو.
۹. ----- (۱۳۹۶)، *سیر عقل در منظومه حقوق بین الملل: اصول اساسی روش شناسی حقوق بین الملل*، تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۰. لوونفلد، آندریاس (۱۳۹۰)، *حقوق بین الملل سرمایه گذاری*، ترجمه محمدجعفر قنبری جهرمی، تهران: جنگل.

ب) مقالات

۱۱. شهبازی، آرامش (۱۳۸۹)، «تکثر سیستم قضایی بین المللی»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۲۹.
۱۲. عطریان، فرامرز (۱۳۹۶)، «اصل امنیت حقوقی و مداخله دولت در عرصه اقتصاد»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره چهل و هفتم، ش ۲.
۱۳. محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۷۶)، «رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۳۸.
۱۴. ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰)، «امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقیق امنیت قضایی»، *راهبرد*، ش ۵۸.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Ansari Moin, Parviz (2008), *International Commercial Law*, Tehran, Mizan Publication (In Persian).
2. Bix, Brian (2010), *A Dictionary of Legal Theory* (translated by Mohammad Rasekh), Tehran, Ney Publication (In Persian).
3. Falsafi, Hedayatollah (2015), *Permanent Peace and Rule of Law*, Tehran, Farhang Nashr No Publication (In Persian).
4. Falsafi, Hedayatollah (2018), *Circuit of Wisdom in International Law System: Fundamental Principles of International Law Methodology*, Tehran, Farhang Nashr No Publication (In Persian).
5. Kinnear, Meg, Diop, Aïssatou, 'Use of the Media by Counsel in Investor-State Arbitration', in A. J. van den Berg, *Arbitration Advocacy in Changing Times*

(Kluwer Law International B.V., 2011).

6. Lowenfeld, Andreas (2012), *International Economic Law* (translated by Mohammad Jafar Ghanbari Jahromi), Tehran, Jungle Publication ([In Persian](#)).
7. Muchlinski, Peter T, Ortino, Federico & Schreuer, Christoph (2008), *The Oxford Handbook of International Investment Law*, London, Oxford University Press.
8. Muchlinski, Peter T., Ortino, Federico, Schreuer, Christoph, (2008), *The Oxford Handbook of International Investment Law*, London, Oxford University Press.
9. Pouria, Askari (2016), *International Investment Law in Arbitral Jurisprudence*, 3rd edn, Tehran, Share Danesh Publication ([In Persian](#)).
10. Reinisch, August, Binder, Christina, Kriebaum, Ursula, Wittich, Stephan, (2009), *International Investment Law for the 21st Century: Essays in Honour of Christoph Schreuer*, London, Oxford University Press.
11. Safei, S. Hossein (2012), *International law and international arbitrations*, 3rd edn, Tehran, Mizan Publication ([In Persian](#)).
12. Schreuer, Christoph (2013), 'Coherence and Consistency in International Investment Law', in Echandi, Roberto et al. (ed), *Prospects in International Investment Law and Policy: World Trade Forum* (Cambridge University Press, 2013).
13. Schreuer, Christoph and Dolzer, Rudolf (2015), *Principles of International Investment Law*, (translated by Qasem Zamani and Behazin Hasibi), 2nd edn, Tehran, Share Danesh Publication ([In Persian](#)).
14. Schreuer, Christoph, 'Coherence and Consistency in International Investment Law', in Echandi, Roberto et. al. (ed), *Prospects in International Investment Law and Policy: World Trade Forum* (Cambridge University Press, 2013) ([In Persian](#)).
15. Shiravi, Abdolhossein (2012), *International Commercial Law*, 3rd edn, Tehran, Samt Publication ([In Persian](#)).
16. Sornarajah, M., (2010), *The International Law on Foreign Investment*, Cambridge University Press.
17. Sornarajah, M., (2010), *The International Law on Foreign Investment*, Cambridge University Press ([In Persian](#)).
18. Troper, Michel (2007), *La Philosophie du Droit* (translated by Morteza Kalantarian), Tehran, Agah Publication ([In Persian](#)).

B) Articles

19. Anders, Englesson, Oscar, (2013), "Inconsistent Awards in Investment Treaty Arbitration: Is an Appeals Court Needed", *30 Journal of International Arbitration* 561.
20. Brower, Charles N., Sharpe, Jeremy K., (2003), "Multiple and Conflicting International Arbitral Awards", *4 Journal of World Investment*.
21. Brown, Colin M., 'A Multilateral Mechanism for the Settlement of Investment Disputes: Some Preliminary Sketches' (2017), *32 ICSID Review* 3, 673.
22. Dimitropoulos, Georgios, 'Investor-State Dispute Settlement Reform and Theory of Institutional Design' (2018), *9 Journal of International Dispute Settlement* 535.

23. Gáspár-Szilágy, Szilárd, (2016), "A Standing Investment Court under TTIP from the Perspective of the Court of Justice of the European Union" , *17 Journal of World Investment & Trade* 701.
24. Grenness, Esther-Jane, (2018), "Let's Have a Souffle Instead: Selective Reform of the Investor-State Dispute Settlement Regime", *6 University of Baltimore Journal of International Law* 1.
25. Howard, David M., (2017), "Creating Consistency through a World Investment Court", *41 Fordham International Law Journal* 1
26. Jansen, Calamita, N., (2017), "The (In)Compatibility of Appellate Mechanisms with Existing Instruments of the Investment Treaty Regime" , *18 Journal of World Investment & Trade* 585.
27. Jennings, Mark, (2016), 'The International Investment Regime and Investor-State Dispute Settlement: States Bear the Primary Responsibility for Legitimacy' , *17 Business Law International* 127.
28. McLaughlin, Mark, (2018), "Global Reform of Investor-State Arbitration: A Tentative Roadmap of China's Emergent Equilibrium" , *6 The Chinese Journal of Comparative Law* 1, 73.
29. Roberts, Anthea, (2018), "Incremental, Systemic, and Paradigmatic Reform of Investor-State Arbitration" , *112 The American Journal of International Law* 3, 410.
30. Salacuse, Jeswald W., *The Law of Investment Treaties* (Oxford, 2015)
31. Schill, Stephan W., 'W(h)ither Fragmentation? On the Literature and Sociology of International Investment Law' (2011), *22 The European Journal of International Law* 3, 875.
32. Spoorenberg, Frank, Vinuales, Jorge E., (2009), "Conflicting Decisions in International Arbitration", *8 Law & Prac. Int'l Cts. & Tribunals*.
33. Tams, Christian J., (2006), "An Appealing Option? The Debate About an ICSID Appellate Structure", *57 Transnational Economic Law Working Paper*
34. Tattevin, Guillaume & Richard, Juliette, (2013), "International Court of Justice Case Law in ICSID Awards", *31 ASA BULLETIN*
35. Ten Cate, Irene (2013), "The Costs of Consistency: Precedent in Investment Treaty Arbitration" , *51 Columbia Journal of Transnational Law* 418
36. Titi, Catharine, 'The European Union's Proposal for an International Investment Court: Significance, Innovations and Challenges Ahead' (2017), *Transnational Dispute Management* 1.
37. Zarra, Giovanni, (2018), "The Issue of Incoherence in Investment Arbitration: Is There Need for a Systemic Reform?" , *17 Chinese Journal of International Law* 137.
38. Zhang, Zhiyong, (2016), "How to Reform Investor-to-State Dispute Settlement Mechanism: EU's Practice and Implications" , *6 Journal of WTO & China* 27.
39. Ramazanighavamabadi, Mohammad, Shahbazi, Aramesh, Embracing international judicial system, *Public law research* Vol. 12, Issue 29, pp. 116-160 (In Persian).
40. Atriyani, Faramarz, The Principle of Legal Certainty and Government Interventions in the Economy, *Public law studies Quarterly*, Vol. 47, Issue 2, pp.

281-301 (In Persian).

41. Mohammadzadeh Vadghani, Alireza, Judicial procedure and its constructive role in law, *Journal of law and political science*, Vol. 38 (In Persian).
42. Vijeh, MohammadReza, Legal security as a condition for judicial security, *journal of Rahbord*, Vol. 20, Issue 58, pp. 95-130 (In Persian).

C) Documents

43. *A Multilateral Investment Court: A New System for Resolving Disputes between Foreign Investors and States in a Fair and Efficient Way* (European Commission Factsheet, 2017)
44. *Consistency, Efficiency and Transparency in Investment Treaty Arbitration: Report by the IBA Arbitration Subcommittee on Investment Treaty Arbitration* (International Bar Association, November 2018)
45. Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards, New York, 1958
46. Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States, Washington, 1965
47. Kaufmann-Kohler, Gabrielle, Potestà, Michele, *Can the Mauritius Convention serve as a model for the reform of investor-State arbitration in connection with the introduction of a permanent investment tribunal or an appeal mechanism?: Analysis and roadmap* (Geneva Centre for International Dispute Settlement (CIDS), 3 June 2016)
48. Possible Future Work in the Field of Dispute Settlement: Reforms of Investor-State Dispute Settlement (ISDS), Note by the Secretariat, UNCITRAL, Fiftieth session, Vienna, 3-21 July 2017, UN Doc. A/CN.9/917
49. Possible Improvements of the Framework for ICSID Arbitration, ICSID Secretariat, Discussion Paper, October 22, 2004
50. Possible reform of investor-State dispute settlement (ISDS): Consistency and related matters, UNCITRAL (WG III), UN Doc. A/CN.9/WG.III/WP.150, 28 August 2018
51. Recommendations to the European Commission on the negotiations for the Transatlantic Trade and Investment Partnership (“TTIP Recommendations”); European Parliament, 2014/2228(INI), 8 July 2015
52. Report of UNCITRAL, UNGA, Official Records Seventy-first session Supplement No. 17, Forty-ninth session (27 June-15 July 2016), UN Doc. A/71/17
53. Report of UNCITRAL, UNGA, Official Records Seventy-Second session Supplement No. 17, Fiftieth session (3-21 July 2017), UN Doc. A/72/17
54. The ICSID Caseload Statistics (issue 2019-1)
55. The Statute of the International Court of Justice, 1945
56. World Investment Report 2015: Reforming International Investment Governance, United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)
57. World Investment Report 2016: Investor Nationality: Policy Challenges,

UNCTAD

58. World Investment Report 2017: Investment and the Digital Economy, UNCTAD
59. World Investment Report 2018: Investment and New Industrial Policies, UNCTAD
60. World Investment Report 2019: Special Economic Zones, UNCTAD

D) Judgements and Awards

61. *Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited* (Belgium v. Spain); Second Phase, International Court of Justice (ICJ), 5 February 1970
62. *CME Czech Republic B.V. vs. The Czech Republic*, UNCITRAL Arbitration Proceedings, Final Award, March 14, 2003
63. *CMS Gas Transmission Company v. The Argentine Republic*, ICSID, Case No. ARB/01/8, Award, April 20, 2005
64. *Elettronica Sicula S.P.A. (ELSI)* (United States of America v. Italy), Judgment, International Court of Justice (ICJ), 20 July 1989
65. *Factory at Chorzów* (Germany v. Poland), Jurisdiction, Judgment, Permanent Court of International Justice, PCIJ Series A No 9, ICGJ 247 (PCIJ 1927), 26 July 1927
66. *LG&E Energy Corp., LG&E Capital Corp., LG&E International Inc. v. The Argentine Republic*, ICSID, Case No. ARB/02/1, Decision on Liability, October 3, 2006
67. *Maffezini v. Spain*, ICSID Case No. ARB/97/7, Decision on Jurisdiction, January 25, 2000
68. *Ronald S. Lauder v. The Czech Republic*, UNCITRAL Arbitration Tribunal, Award, September 3, 2001
69. *Salini Costruttori S.p.A. and Italstrade S.p.A. v. Hashemite Kingdom of Jordan*, ICSID Case No. ARB/02/13, Decision on Jurisdiction, November 29, 2004
70. *SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Islamic Republic of Pakistan*, ICSID, Case No. ARB/01/13, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, August 6, 2003
71. *SGS Société Générale de Surveillance S.A. v. Republic of the Philippines*, ICSID, Case No. ARB/02/6, Decision of the Tribunal on Objections to Jurisdiction, January 29, 2004